

ادبیات آشیقی را دریابیم

هنر آشیقی مهمترین و غنی ترین شاخه ادبیات شفاهي مردم آذربایجان است به تعبیری دیگر ، اگر آشیق ها نبودند ، از فولکلور غنی آذربایجان به جز چیزهای پراکنده و کم محتوی ، هیچ نمی ماند عاشیق ها مردمی ترین هنرمندانی هستند که با ساز و آواز ، اشعار و داستان های خود ، در غم و شادی مردم شریک می شوند . آمل و آرزوها ، عادات و باورها ، آداب و رسوم مذهبی و ملی مردم در طول سالیان دراز در هنر ارزشمند آنها انعکاس پیدا کرده است

آشیق ها ماهیت اخلاقی و فلسفی معارف دینی را عمیقاً یاد گرفته و در اشعار و داستانهای خود به طرز استادانه ای بکار برده اند . مفاهیم دینی در رابطه با معجزات پیامبران ، مضامین متنوع ، احادیث و آیات قرآنی ، شرح زندگی پیامبران و امامان و مواردی از این قبیل در اشعار آنها در فرم های مختلف آمده است . آشیق های استاد چون « آشیق علیسگر » ، « عاشیق قشتم » ، « خسته قاسیم » و دیگران در اشعار خود به کرات مفاهیم و مضامین مذهبی اشاره می کنند . آنها خود را « حق آشیقی » و « آلاهِ آشیقی » می نامند

در یک پژوهش تحت عنوان « بررسی تاثیر معارف دینی در ادبیات آشیقی » که توسط آقای حمید سفیدگر شهانقی انجام شده ، آشیق های آذربایجان تحت بررسی قرار گرفتند . از آنجائیمه آشیق ها به دو دسته « آشیق های شاعر یا خلاق » و « آشیق های غیر شاعر یا غیر خلاق » تقسیم می شوند و با توجه به فزونی آشیق های شاعر بر « آشیق های غیر شاعر » این دسته از آشیق ها در این بررسی مورد بررسی قرار گرفته اند که بالغ بر آشیق را شامل می شود . مطالبی که در سطور بعدی مطالعه می فرمائید برگرفته ای از همین پژوهش است

امروزه ثابت شده است که استعمار قبل از هر گونه هجوم فرهنگی ، سعی می کند جامعه مورد نظرش را به تخلیه فرهنگی بکشاند . برای جلوگیری از تخلیه فرهنگی ، حفظ و تداوم فرهنگ اصیل مذهبی ، ملی و قومی مان که عمیقاً با فرهنگ اسلامی عجین شده ، ضروری است . فولکلور یکی از اساسی ترین شاخص های اصالت فرهنگی محسوب می شود و هنر آشیقی مهمترین و غنی ترین شاخه فولکلور آذربایجان است . معارف اسلامی مستتر در اشعار و داستانهای آشیقی هیچ وقت به صورت مشخص و واضح مورد بررسی قرار نگرفته است . بر خلاف نظریاتی که آشیق را با مفاهیم نارسا « نوازنده دوره گرد » ، « مطرب » و غیره می دانند ، « آشیق هنرمندی است که در شاعری ، آهنگ سازی و نوازندگی ، خوانندگی و داستان سرایی استادی دارد . اصولاً هنر آشیقی الهام گرفته از مفاهیم عمیق دینی و مذهبی است . آشیق در هر بند از شعر خود مضمونی دینی ، عرفانی و اخلاقی را به شنوندگان خود یادآور می شود . او عمیقاً به مسائل دینی و موضوعات عرفانی و انسانی آشنا بوده و آیات قرآنی و احادیث پیامبر اسلام و ائمه اطهار به ویژه حضرت علی (ع) را با زبانی ساده و عامه فهم در قالب اشعاری دلنشین بیان می دارد

ادبیات آشیقی

آشیق کیست ؟

بسیاری آشیق را شکل آذربایجانی کلمه « عاشق » عربی می دانند که در لهجه

آذربایجانی به شکل « عاشیق » گفته می شود اما محمد حسن تهماسب عقیده دارد « ریشه « آشیق » واژه آش است که دیگر در ترکی امروزی به کار نمی رود مصدر آشیلماق به معنی تلقین کردن ، تزریق کردن از همین ریشه هنوز هم مورد استفاده قرار می گیرد »

این پژوهشگر فولکلور آذربایجان معتقد است « کلمه آشوله در زبان ترکی از یکی به مفهوم ترانه و آهنگ است و آشوله چي به معنای خواننده یا واژه اشیق از يك ریشه هستند
اشیق ها در طول تاریخ به اسامی مختلفی چون « وارساق » ، « ایشیق » ، « اوزان » و « نشاق » شناخته می شده اند بعضی از محققین فولکلور ملل ترك به این نتیجه رسیده اند که اشیق بر گرفته از کلمه ترکی « ایشیق » به مفهوم نور و روشنایی است اشیق ها در میان اقوام مختلف ترك زبان به عناوین و اسامی مختلفی نامیده می شوند در ترکمن صحرا و جمهوری ترکمنستان و جمهوری ترکمنستان « باغشی » و در ازبکستان « باخشی » ، « بخشی » و « جیرچی » در ترکیه ، آذربایجان و ایران « آشیق » نامیده می شود در هر صورت عاشیق هنرمندی است که شعر می گوید می نوازند و می خواند آشیق ها در میان اجداد آذربایجانی های امروزی یعنی « اوغوزها » ارج و منزلتی به سزا داشته اند

اوغوزها به « قویوز » ، سلف ساز کنونی آذربایجان حرمت می نهاده اند ، آنچنانکه اگر از کسی در حالی که « قویوز » در دست داشته است ، خطائی در خور مرگ سر می زده ، به احترام « قویوز » از او درمی گذشتند در داستان دهم از کتاب ده ده قورقود ، اغراق برادرش را خفته می یابد و قویوز او را از بالینش برمی دارد سغرق بیدار می شود و می خواهد برادر را با شمشیر از پای درآورد دو برادر پیش تر همدیگر را ندیده اند ولی چون قویوز را در دست او می بیند ، می گوید « اگر قویوز در دستت نبود ، تو را به دو نیم می کردم » وقتی ساز را آن حریم و حرمت باشد ، پیداست که آشیق نیز منزلتی خاص در بین مردم خواهد داشت عاشیق ها به گواهی آثار و گفته هایشان از آگاه ترین و عالم ترین مردمان روزگار خود بوده و هستند برخی از آنها به زبانهای عربی و فارسی نیز تسلط کافی داشته و از این زبانها در اشعار خود به کرات استفاده کرده اند « آشیق عزیز شهنازی » از آشیق های متاخر تبریز در وصف آشیق چنین می سراید

آشیق گرك عاريف اولا ، سؤز قانا

بيليكده بنزه يه بحر عمانا

طربقت له ، شربعت له ، ارکانا

وارد اولسان ، آختار يول ، اوندان دانیش

آشیق باید عارف باشد و راز آشنا

در علم و دانش دریای عمان باشد

اول به ارکان دین و شریعت و طربقت

آشنا شده و بعدا حرف بزند

همین شاعر در جای دیگر می گوید

فیکری بودور ، اولا شادلیق همیشه

سؤز گزدریب وورماز آرانای آشیق

فکر آشیق همه این است که همیشه شادی باشد

او هیچوقت سخن چینی نکرده ، دو به هم زنی نمی کند

بدین ترتیب در می یابیم « آشیق » هنرمندی است ، آگاه و عالم به مسائل دینی و

احکام شرعی ، انسانی پاکدامن و مورد احترام و حرمت همه مردم ، که در غم ها و

شادی های آنها شریک است او همیشه خواهان شادی و جشن و سرور است و جشن

ها و عروسی ها بی وجود او رونقی ندارد

موسیقی آشیقی

موسیقی بخش محوری هنر آشیقی است ساز در اغلب مناطق آذربایجان تنها آلت موسیقی آشیقی به شمار می رود اما در منطقه تبریز قره باغ دو نوازنده دیگر با بالابان و قوال آشیق را همراهی می کنند بر اساس گفته آشیق های استاد ، موسیقی آشیقی آهنگ دارد اما این تعداد با گذشت زمان از طرف آشیق های دیگر زیاد شده و امروزه به آهنگ رسیده است بعضی از این آهنگ ها در يك منطقه خاص مشهور بوده و در آنجا بیشتر ایفا می شوند به عنوان مثال آهنگ « مخمس » آشیق های تبریز ، در آذربایجان غربی با نام « دستان » مشهور است هر آشیقی ساز خود را هماهنگ با تن صدای خود کوک می کند بدین صورت که اگر صدایش زیل باشد آن را زیل و اگر صدایش بم باشد ، آن را بم کوک می کند لازم به ذکر است که بم نواختن و زیل خواندن و یا بر عکس زیل نواختن و بم خواندن در میان آشیق ها مردود شمرده می شود آهنگ های موسیقی آشیقی به سه گروه تقسیم می شود که هر گروه ویژگی های خاص خود را دارد

یوخاری هاوالار آهنگ های بالا این آهنگ ها از پرده چهارم به بالا نواخته می شوند این ها نوازنده را خسته نمی کنند

اورتا هاوالار آهنگ های میانه این آهنگ ها مابین شاه پرده بالا پرده چهارم و شاه پرده میانی پرده نهم نواخته می شوند

آشاعی هاوالار آهنگ های پائین این آهنگ ها در پرده های پائین تر از شاه پرده میانی نواخته می شوند اینها به علت زیل بودن باعث خستگی نوازنده می شوند

داستانهای آشیقی

داستانهای آشیقی بر اساس موضوع خود به دو دسته داستانهای قهرمانی و حماسی و داستانهای محبت تقسیم می شوند از داستانهای قهرمانی می توان به داستانهای « کوراوغلو » ، « قاچاق نبی » ، « قاچاق کرم » ، « شاخه اسماعیل و عرب زنگی » و غیره اشاره کرد از داستانهای محبت نیز می توان از داستانهای « اصلی و کرم » ، « عباس و گولگز » ، « طاهر و زهره » ، « آشیق غریب و شاه صنم » ، « غلام حیدر » و نام برد

داستانهای آشیقی به دو شکل نثر و نظم بیان می شوند آشیق ها بخش های نثر داستان را روایت کرده و قسمت های نظم آن را در آهنگ های مختلف با ساز و آواز می خوانند هر دو بخش داستانها با هم مرتبط هستند و عموماً گفتگوهای ما بین شخصیت های داستان به صورت نظم است در این شعرها شخصیت ها ، اتفاقاتی را که برایشان افتاده ، وضعیت روحی ، احساسات و هیجانات خود را بازگو می کنند

داستانها معمولاً در عروسی ها ، جشن ها ، قهوه خانه ها و مجالس گفته می شوند گاه دو آشیق به کمک هم به نقل داستان می پردازند و هر کدام به جای یکی از شخصیت ها ، قسمت های نظم را با ساز و آواز می خوانند

در داستانهای آشیقی به يك باور دینی به نام « بوت و وئرمك » بر می خوریم و بوت و وئرمك بدین معنی است که حضرت علی ع یا حضرت خضر ع در داستانهای قبل از اسلام حضرت خضر ع و در داستانهای بعد از اسلام حضرت علی ع در لباس درویشی و با سیمای نورانی به خواب قهرمان داستان آمده و دختری را نشان داده ، می فرمایند « فرزندم او را به تو و تو را به او نامزد کردم ، مشقات زیادی خواهید کشید ولی در پایان به همدیگر خواهید رسید »

کسی که چنین خوابی می بیند بعد از بیدار شدن به کلی تغییر می کند در قلب او نوری می درخشد ، او عاشق و شیفته شده و بطور ناگهانی « آشیق » می شود ساز را به زیبایی تمام می نوازد ، آواز می خواند ، بداهتا شعر می سراید و خلاصه به همه رموز هنر آشیقی واقف می گردد به علاوه از ضمیر انسان ها آگاه می شود ، به راز های

مگو آشنا می گردد ، از حوادث تاریخی ، جریانات و سرگذشت حاکمان ، پیامبران و مسائل دینی باخبر می گردد از این دسته اشقیق ها می توان از « اشقیق قوریانی » ، « اشقیق عاباس توفارقانلی » ، « اشقیق غریب » و غیره نام برد در خلال جریانات داستانیها ، مسائل دینی و اخلاقی زیادی بیان می شود و اشقیق ها با توجه به قدرت بیان و خوانندگی و نوازندگی خود سعی در القای خصوصیات متعالی قهرمانان داستان به شنوندگان را دارند

ویژگی های کلی شعر اشقیقی شعر اشقیقی علی رغم فرم و شکل ساده اش مفاهیم عمیق فلسفی ، دینی ، انسانی ، احساسی ، اجتماعی و گاه بنا بر نیاز زمان و محیط ، مفاهیم سیاسی را در خود پروراند است برای نمونه می توان به نوعی شعر از شعر اشقیقی اشاره کرد که بر اساس حروف نهاده شده است این نوع شعر برگرفته از فلسفه نهضت « حروفی گری » است که توسط شاعر مبارز و عارف بزرگ « نعیمی » و به دنبال او « عمادالدین نسیمی » بنیاد شده است

دکتر جواد هیئت پژوهشگر فرهنگ و فولکلور آذربایجان ، ویژگی های اشقیق ها و شعر اشقیقی را به شکل زیر بیان می کند اشقیق ها ، نوازنده ساز و شاعرانی هستند که اشعارشان را با ساز می خوانند شاعر ساز اشقیق ، عموماً اشعار خود را با اوزان هجائی سروده اند زبان شعری آنها سلیس و نسبتاً ترکی خالص است اشقیق ها شعر و موسیقی را یک اثر واحد می دانند و هنگام سرودن شعر ، آهنگ آن را نیز می سازند

اشقیق ها اشعار خود و دیگر اشقیق ها را در بین مردم انتشار می دهند در شعر اشقیقی ، آرزوها ، امیدها ، زندگی و معیشت ، جهان بینی ، مبارزه و گاه مسائل دینی به شکل بدیعی منعکس می شود

درخشان ترین دوره تاریخی شعر اشقیقی ، دوره سلطنت شاه اسماعیل صفوی است توجه شاه اسماعیل صفوی متخلص به ختائی به گسترش شعر و ادب ترکی باعث شد ، شعر اشقیقی که از نظر موسیقی و زبان اصالت بیشتری داشت ، متداول شود این اصالت پیامد زبانی ساده ، روشن و در عین حال زیبا و وزنی هجائی است انواع شعر اشقیقی قوشما

قوشما رایج ترین شعر اشقیقی است هر قوشما الی بند و هر بند دارای چهار مصرع است در بند آخر نام شاعر می آید هر مصرع یازده هجا است و قافیه ها اینگونه می آیند آ ب و ب ق ق ق ب د د ب ، و قوشما به مثابه غزل در شعر و ادبیات مکتوب است به مصرع هائی که « قافیه اصلی » در آن آمده است ، « باغلاما » گفته می شود قوشما بر اساس مضامین خود به سه دسته تقسیم می شود

الف گۆزل لمه که موضوع آن عشق ، محبت ، احساسات عاطفی و غیره است ب قوچاقلاما که موضوع آن جنگ ، شجاعت و قهرمانی است

ج آغی که مضمون آن عزا ، ماتم و مرگ است قوشماها از لحاظ فرم و شکل نیز به انواع مختلفی تقسیم می شوند ، مثل « قوشا یپراق » ، « گوللو » ، « آیاقلی » و غیره یک بند از یک نمونه قوشمای « قوشا یپراق » آي وطن ، قوینوندا ازله ن مني بسيله دین ایستکلی آنالار کیمی قان آغلارام سندن دوشسم ایراغا

آنادان آيريلان بالالار كيمي
اي وطن از ازل مرا در آغوش خویش پروردي
چون مادران مهربان
خون مي گريم اگر از تو جدا شوم
چون كودكاني كه از مادر خود دور مي افتند
« اشيق عزيز شهنازي »
گرايلي

اينگونه شعر اشيقی بين تا بند است و هر بند از چهار مصرع هشت هجائي تشكيل مي شود قافيه ها و ردیف ها همانند قوشما است گرايلي از نظر موسيقي روانترين و رقصانترين وزن و آهنگ را دارد
يك بند از يك نمونه اين نوع شعر اشيقی
« قشم » گليب زيارته
اجازه وئر ، غريب آغا
قوي يتيشسين سعاده
اجازه وئر غريب آغا
« قشم » به زيارت آمده است
اجازه بده امام غريب
بگذار او نيز به سعادت برسد
اجازه بده امام غريب
« اشيق قشم جعفري »

تجنيس

در اين نوع شعر قافيه ها از جناس برخوردارند تجنيس اوج قابليت و مهارت و استادى اشيق به شمار مي آيد در اين نوع شعر مفاهيمي عميق در عين حال معما گونه بكار گرفته مي شود در تجنيس آنچه بيشتر مد نظر است آرايه هاي ادبي و صنايع لفظي در شعر است اشيق ها در مقابله و روبرويي با همدیگر براي به زانو درآوردن حريف بيشتر به اين نوع شعر مي پردازند
اساتيد ادبيات اشيقی چون « خسته قاسيم » ، « اشيق علسگر » ، « عباس توفارقانلي » ، « اشيق قشم » و ديگران در اين نوع شعرهايشان عمق دانسته هاي علمي ، تاريخي ، ادبي و اجتماعي خود را نشان داده اند براي آزمودن يك اشيق كافي است از او شعر تجنيس خواسته شود
يك بند از يك نمونه شعر تجنيس
بیر گوزلين جمالينا ماييلم
نه مدت دير گوزل مندن يابنير
من قوربانام آغ اوزونده او خالا
زنخدانين شعله گاهي يايي نور
مفتون جمال دلبري هستم
كه مدت هاست از من گريزان است
فدای آن خالي شوم كه بر چهره سفيد اوست
و شعله گاه زنخدانش كه نور مي افشاند
« خسته قاسيم »
اوستاد نامه

استادنامه ها شامل پند و نصيحت ، تشويق به خوبي ، عقل ، كمال و فضائل انساني است در اين نوع شعر به بي اعتباري و ناپايداري دنيا ، ماندگاري نام نيك پرداخته مي شود و با مثال آوردن پادشاهان و فرمانروايان گذشته چون قارون ، سليمان ، اسكندر و

غیره مردم به پرهیز از حرص و طمع نسبت به مال دنیا دعوت می شوند اغلب موضوعات دینی و عرفانی در این نوع شعر آشیقی انعکاس پیدا می کند استادنامه ها پیش از آغاز داستان توسط آشیق ها با ساز و آواز خوانده می شوند و این خود اهمیت این نوع شعر را در نزد آشیق ها معلوم می دارد
 یک بند از یک نمونه شعر استادنامه
 یوز ایل ده اولاسان بیر باغا باغبان
 اگر صد سال هم باغبان باغی باشی
 آخر سرانجامی باغ سنه قالماز
 سرانجام باغ برای تو نمی ماند
 نه جان قالار جسدینین ایچینده
 نه جان در جسدش ماندگار می شود
 نه ده کی جسدین ساغ سنه قالماز
 نه جسمت سالم می ماند
 « آشیق صمد »

دئیشمه

دئیشمه به نوعی از شعر آشیقی گفته می شود که به شکل سؤال و جواب یا گفت و گو و مناظره باشد در این شعر مهارت ، علم و استعداد آشیق ها محک زده می شود در مجالس بزرگ و در مقابل تعداد زیادی از مردم آشیق ها به مناظره می پردازند در ابتدای کار آشیق ها شرط می بندند که طرف بازنده ، سازش را تحویل داده حتی دیگر به آشیقی نپردازد سپس با ساز و آواز سئوالاتی از همدیگر به نوبت می کنند در این نوع شعر کسی برنده از میدان خارج می شود که اولاً نسبت به مسائل دینی ، تاریخی ، ادبی ، اجتماعی و مسائل متفرقه آگاهی بیشتری داشته باشد و پانیا بتواند بداهتا معلومات خود را به شکل شعر ، آن هم با ردیف و قافیه و وزن شعر طرف مقابل بیان کند یک نمونه از مناظره بین آشیق ها « خسته قاسیم » و « لزگی احمد »

خسته قاسیم

او کیمدیر کی ، اوتوزوندا جوان دیر
 اون بئشینده قوجالانی اولودور
 او نه دیر کی دیلی آیری ، سؤزو بیر
 او هانسی دریادیر ایچی دولودور ؟
 آن چیست که سی روزه اش جوان است
 ولی پانزده روزه اش پیر و بزرگ
 آن چیست که زبانش شکافته ، اما حرفش یکی است
 آن کدام دریاست که پر و انباشته است ؟
 لزگی احمد
 او آي دیر کی اوتوزوندا جوان دیر
 اون بئشینده قوجالانی اولودور
 او قلم دیر ، دیلی آیری ، سؤزو بیر
 علم دریاسی هر دریادان دولودور
 آن ماه است که در سی روزگی جوان است
 و در پانزده روزگی اش پیر و بزرگتر
 آن قلم است که زبانش شکافته ولی حرفش یکی است
 و دریای علم از هر دریائی پرتر است
 مخمس

هر بند از این نوع شعر مصرع دارد هر مصرع از شانزده هجا تشکیل می شود گاه

برای اینکه مصرع‌ها با توجه به هجائی بودنشان آشقیق را خسته نکنند و هنگام خواندن نفس گیر نباشند ، آنها را به دو قسمت تقسیم می‌کنند بدین ترتیب هر بند دارای مصرع می‌شود « ملا جمعه » بزرگترین استاد شعر مخمس است

یک نمونه از مخمس‌های او
 ناگهان گوردو گوزوم
 سن تکی انسانی پری
 حوری سن ، ملکه سن
 جنتین غیلمانی پری
 یارالار مرهمی سن
 دردلرین درمانی پری
 گوزل لر سرداری سان
 محبوب لار خانی پری
 شاه کیمی تخته چیخیب
 انده رسن دیوانی پری
 ناگهان تو را دیدم
 انسانی مانند تو را ای پری
 تو حوری هستی ، ملک هستی
 یا فرشته بهشتی ، پری ؟
 مرحم زخم‌های من
 درمان دردهایم پری
 پادشاه خوبانی
 سرور زیبایانی ، ای پری
 چون پادشاه بر تخت نشسته
 سلطنت می‌کنی ای پری

دیوانی

شعر دیوانی نسبت به انواع دیگر شعر آشیقی از قدمت بیشتری برخوردار است این نوع شعر در تعداد بندها آزاد است و هر بند از چهار مصرع هجائی تشکیل می‌شود گاه این مصرع‌ها به علت طولانی بودنشان به دو قسمت تقسیم می‌شوند مصرع‌های اول ، دوم و چهارم در بند اول هم قافیه و مصرع سوم آزاد است بند‌های بعدی مانند « قوشما » و « گرایلی » است « دیوانی » نام چند آهنگ موسیقی آشیقی نیز هست

یک بند از یک نمونه شعر دیوانی

دلی کونول شروع ائيله ابتدا بسم الله
 هر ایش گورسن اول سؤيله بو دنياده بسم الله
 اوزو بير دير ، آدي مين بير لا شريك و لا مکان
 هاردا قالسان گردابده يتتر داده بسم الله
 دل ديوانه از ابتدا با نام خدا شروع کن
 هر کاری که می‌کنی اول بگو بسم الله
 خودش یکی است و نامش هزار و یک ، لا شريك و لا مکان است
 هر کجا در گرداب ماندی او به دادت می‌رسد
 « آشقیق عزیز شهنازی »

تصنیف

شعری است ساده، روشن، زیبا و شیرین هر بند از چهار مصرع پنج هجائی گاه از پنج مصرع چهار هجائی تشکیل می‌شود مضمون عمده آن تغزلی و لیریک است

یک بند از یک نمونه شعر تصنیف

آغلاييب گوللم
مي گريم و مي خندم
گۆز ياشين سيللم
اشكهيم را پاك مي كنم
قوربان كسيللم
قرباني تو مي شوم
سن بيزه گلسن
اگر به خانه ما بيائي
« ملا جمعه »

قيامت احوالاتي احوالات روز قيامت
در اين نوع شعر همچنانكه از نامش پيدا است از حوادث و مسائل روز قيامت و محشر خبر داده مي شود بديكاران به كيغرو نيكوکاران به پاداش بشارت داده مي شوند اشيق ها در اين شعر با كنايه و استعاره مردم را از آتش دوزخ مي ترسانند و با زبان شيواي شعر آنان را به نيكوكاري، انجام فرائض ديني و پرهيز از اعمال زشت دعوت مي كنند

يك نمونه از اين شعر
گناهكار بنده ني يانديراجاق نار
مومنه داياقدير حي كردگار
لافتي شانينده گلدي ذوالفقار
علي ني هاميدان وحيه گورودور
بنده گناهكار در آتش خواهد سوخت
خداوند پشتيبان مومن است
لافتي در شان علي ع گفته شده
و علي زياتر از همه آمده است
« اشيق قشم »
معراج نامه

در اين نوع شعر ، اشيق از معراج پيامبر ص صحبت مي كند و شرح معراج حضرت محمد ص را به زبان شعر بازگو مي كند
يك نمونه از اين نمونه شعر
امر اولدو جبرئيل وئردي نداني
بسم الله ذكري ايله اولوندو خطاب
قرائت اولوندو رسول اللها
معبود گوروشونه ائيله دي شتاب
از جانب خداوند به جبرئيل امر شد
تا بنام خدا به پيامبر ندا دهد
كه به ديدار معبود بشتابد
« اشيق مناف »
وجود نامه

اين نوع شعر به شرح مراحل خلقت و زندگي انسان، دوران كودكي، جواني و پيري مي پردازد يك بند از يك نمونه از اين نوع شعر
اصلي بني آدمين وصفين سؤيله ديم
آتا وجودوندان گلديم آنايا
آنا بدنينده قان اولدوم دوردوم
آنا جمل اولدو قالدي وداع يا
وصف بوجود آمدن يك انسان را بگويم

از وجود پدر به وجود مادر آمدم
در بدن مادر به خون تبدیل شدم
مادر مرا حمل کرد
« آشيق واله »

علاوه بر انواع گفته شده شعر، شعر آشيقی گونه‌های مختلفی نیز چون « ترسه حروفات
»، « عددی دیوانی »، « کؤلگه‌سيز »، « قاريندان چيخما » و غيره دارد
منابع و مأخذ

الهی قمشهای ، مهدي قرآن کریم ، تهران ، سازمان تبلیغات اسلامی
انديف ، پاشا ، آذربایجان شفاهی خالق ادبیاتی ، باکو ، انتشارات معارف
ابوالقاسم پاینده ، نهج الفصاحه ، تهران ، جاوید
سفیدگر شهانقی ، حمید ، « بررسی تاثیر معارف دینی در ادبیات آشیقی
» ، تبریز ، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان آذربایجان شرقی ، کمیسیون
پژوهشی

شهنازی عزیزی ، بو توپراقلی یام ، تبریز ، ساحل
شهیدی ، جعفر ، نهج البلاغه ، تهران شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
صدیقی ، امین ، « صدای ساز تو ابری شد و گریه نشست » ، فصل نلمه شعر ،
شماره

محمدی ، جلال ، « شعر بومی آذربایجان در يك نما » ، فصلنامه شعر ، شماره
هیئت ، جواد ، « آذربایجان شفاهی خالق ادبیاتی » ، تهران ، ضمیمه مجله

وارلیق
منبع کتاب ماه ادبیات و فلسفه ، آذر

سین حسینی نثار